

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

انینۀ ایران

بهرام رحمانی
۰۶ فبروری ۲۰۱۳

محمود احمدی نژاد و «برداران قاچاقچی» اش در سپاه پاسداران!

(بخش پنجم)

تنش و هیاهو و جنجالی که از ماه ها پیش بر سر انتصاب سعید مرتضوی، دادستان سابق تهران به ریاست سازمان تأمین اجتماعی آغاز شده بود روز یکشنبه ۱۵ بهمن [دلو] ۱۳۹۱، با برکناری عبدالرضا شیخ‌الاسلامی از وزارت کار به اوج خود رسید.

جلسه استیضاح وزیر کار در مجلس جانین، به یک سیرک درندگان تبدیل شد که به همدیگر چنگ و دندان نشان می دادند. این ماجرا بار دیگر، هم چنین بی اعتنائی احمدی نژاد، لاریجانی، نمایندگان مجلس و برخی مقام های دولتی به هشداری رئیس شان خامنه ای را به نمایش گذاشت به طوری که با تعجب، خشم و تأسف گروهی از محافظه کاران و رسانه های آن ها مواجه شد. هنوز ۲۴ ساعت از درگیری و تشنج در مجلس ارتجاع نگذشته بود که قوه قضائیه اعلام کرد سعید مرتضوی را بازداشت کرده است.

نمایندگان مجلس از آخوندها تا پاسداران سابق، از لباس شخصی ها تا مأمورین امنیتی سابق که در راستای حفظ منافع سرمایه داران و حاکمیت و خودشان، کرسی های نمایندگی مجلس را اشغال کرده اند این روز بر سر و کله خود و بغل دستی هایشان زدند، ریش هایشان را کردند، نعره زدند و به شدت نگران پست و مقام و ثروت های خود شدند. در حقیقت سخنان هیستریک رد و بدل شده بین احمدی نژاد و لاریجانی، رسوائی بزرگی برای کلیت حکومت اسلامی به بار آورد. برای مثال، سایت «تسنیم» با انتشار یادداشتی امروز را «یکشنبه سیاه» نامیده، سایت «خبر آنلاین» از شکست «کودتای» احمدی نژاد علیه مجلس سخن گفته و سایت «بازتاب امروز» نیز خواستار برخورد نظام با او شده است.

سایت های «رجانیوز» و «عصر ایران» نیز هر یک با انتشار یادداشت های جداگانه ای حملاتی متوجه احمدی نژاد و لاریجانی کرده و از وقایع رخ داده در مجلس اظهار تأسف کرده اند.

سایت «خانه ملت» نیز گفت و گوهائی از چند نماینده مجلس علیه احمدی نژاد منتشر کرده که به نظر می رسد با این روند، دامنه انتقادات و حملات علیه احمدی نژاد در روزهای آینده به اوج خواهد رسید. گردانندگان خبرگزاری های حکومتی فارس، مهر، کیهان و غیره نیز به نوبه خود نگرانی های خود را انتشار دادند.

به این ترتیب، تهدیدی، افشاگری، گرو کشی، پرونده سازی، تهدید و تنش علنی رؤسای دو قوه مجریه و مقننه در صحن علنی مجلس، که از مدت ها پیش آغاز شده بود در این جلسه مجلس، به اوج خود رسید و خشم طرفین و طرفداران آن ها در ارگان های مختلف حاکمیت را برانگیخت.

این بار محمود احمدی نژاد، به دلیل استیضاح و بر کناری وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی با برادران لاریجانی سرشاخ شد و رئیس جمهور و رئیس مجلس حکومت اسلامی، همدیگر را به فساد اقتصادی و اخلاقی متهم کرد.

عبدالرضا شیخ الاسلامی، وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی دولت احمدی نژاد، در جلسه استیضاح مجلس از کار برکنار شد. در عین حال جلسه استیضاح وزیر در مجلس، به محلی برای پرخاشگری و تنش بی سابقه بین محمود احمدی نژاد و علی لاریجانی و طرفداران آن ها تبدیل شد.

در جلسه یکشنبه ۱۵ بهمن ۱۳۹۱ برابر با ۳ فروردی ۲۰۱۳، احمدی نژاد با پخش نواری گزیده ای از مکالمه های فاضل لاریجانی - برادر رئیس مجلس، با سعید مرتضوی، برادران لاریجانی را به فساد مالی و سوء استفاده از قدرت متهم کرد.

علی لاریجانی هم در جواب گفت، فرهنگ « بگم بگم» که احمدی نژاد به کار می گیرد، کاری اخلاقی نیست. به این ترتیب، این جانین حکومت اسلامی، با جار و جنجال و هیاهو هم به همدیگر پرخاشگری کردند و هم درس اخلاق دادند در واقع گوشه ای از فرهنگ و روابط و مناسبات کل حاکمیت شان را به نمایش گذاشتند.

در حکومتی که رئیس قوه اجراییه و رئیس قوه مقننه این چنین همدیگر را متهم به فساد اخلاقی و اقتصادی می کنند به سادگی نشان می دهد که کلیت آن حکومت با همه ارگان ها و سران و مسؤولان و جناح هایش به جنایاتی چون دزدی، رشوت خواری، فساد اخلاقی، مناسبات تبه کارانه، مافیائی و تروریستی و آدم کشی آلوده اند. همین فرهنگ ارتجاعی نیز سبب شده است که بی اخلاقی و بزهکاری و کلاهبرداری و باج گیری و زورگوئی در جامعه ایران، رواج پیدا کند.

محمود احمدی نژاد، هم چنین در جلسه استیضاح وزیر کار، بعد از صحبت مخالفان و موافقان استیضاح در صحن علنی مجلس گفت: «آقای شیخ الاسلامی از بهترین های کابینه است. عمر و جان و سلامت خود را برای خدمت گذاشته است.» احمدی نژاد، با ذکر این که ایران در حال حاضر تحت شدیدترین فشارهاست و مجلس و دولت باید اختلاف ها را کنار بگذارند، تأکید کرد که بعضی فشارهای داخلی و خارجی هم راستا و در یک سو هستند.

او، گفت نمی خواسته بعضی مسائل را مطرح کند؛ اما الان مجبور است بگوید که «همکارانش مورد تهمت قرار گرفته اند و بولتن و فحش نامه علیه دولت منتشر می شود.»

احمدی نژاد، درباره حکم دیوان عدالت اداری گفت: «همین دیوان سال ۱۳۸۸ در مورد دیگری گفته چون سازمان تأمین اجتماعی نهاد غیردولتی است، دیوان صاحب صلاحیت برای رسیدگی به عزل و نصب ها نیست.» او از نمایندگان پرسید: «مگر امروز چه چیزی تغییر کرده که دیوان خود را صاحب صلاحیت می بیند؟» «اگر اجازه بدهیم دیوان عدالت اداری خارج از چارچوب قضاوت کند، کشور دچار مشکل خواهد شد.»

احمدی نژاد، گفت «مسائلی پشت صحنه می گذرد که نه او خبر دارد نه نمایندگان». او، افزود: «ملاقات هائی اتفاق افتاده که پشت قضیه همین مسائلی است که بین مجلس و دولت می گذرد.»

سرانجام احمدی نژاد، در جلسه علنی مجلس برای استیضاح وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی، قسمتی از نوار جلسه ای خصوصی را پخش کرد که در آن، فاضل لاریجانی، یکی از برادران رئیس مجلس را به تلاش برای «سوء استفاده مالی» و «سوء استفاده از جایگاه برادران خود در ریاست قوه قضائیه و مجریه» متهم کرد.

از آن جا که صدای نواری که در مجلس پخش می شد واضح نبود، احمدی نژاد پخش آن را متوقف کرد و در حالی که تعدادی از نمایندگان به اعتراض خود ادامه می دادند، بخش هائی از آن را قرائت کرد.

به گفته احمدی نژاد، فاضل لاریجانی در جلسه ای که با سعید مرتضوی، رئیس سازمان تأمین اجتماعی داشت، از او خواسته بود مقدمات آشنائی او با یک فعال اقتصادی را فراهم کند که خواستار خرید بعضی شرکت های سازمان مذکور بوده است. احمدی نژاد، گفت که «فاضل لاریجانی» برادر علی لاریجانی، تلویحا به مرتضوی گفته بود که اگر شخص مذکور او را به عنوان مباشر خود تلقی کند، او خواهد توانست با توجه به نفوذ برادرانش مشکلاتی را که معمولا برای فعالیت های اقتصادی پیش می آید حل کند.

برادران لاریجانی (جواد، باقر، فاضل، علی و صادق) و ایل و تبار آن ها برای خودشان در حکومت اسلامی، قدر قدرتی به حساب می آیند. یکی در رأس قوه مقننه و دیگری در رأس قوه قضائیه و آن یکی در رأس حقوق بشر حکومت اسلامی و... قرار دارند. از این رو، طرف شدن با این برادران، عوارض و خطرات زیادی دارد. در هر صورت به احتمال این که رقبای احمدی نژاد در جناح اصول گرایان و برادران قاچاقچی اش بال و پر اطرافیان را قیچی کرده اند و دوران ریاستش نیز رو به پایان است در این جلسه به سیم آخر زد و مستقیما با برادران لاریجانی سرشاخ شد.

پس از پایان سخنان احمدی نژاد، علی لاریجانی رئیس مجلس به پاسخ گوئی به سخنان او پرداخت و گفته های او را «تهمت» و «اتهام» خواند. لاریجانی، که از این اقدام احمدی نژاد در رابطه با برادرش خشمگین شده بود، گفت که پیش از آغاز جلسه استیضاح، نماینده رئیس جمهور به او مراجعه کرده و هشدار داده است که اگر استیضاح انجام شود، احمدی نژاد نواری علیه بستگان او پخش خواهد کرد.

لاریجانی افزود که این پیام را «تهدید» تلقی کرده، اما زیر با آن نرفته است. لاریجانی این اقدام را اقدامی «مافیائی» خواند و گفت: «آیا این اقدامی توطئه آمیز علیه رئیس مجلس نبود که آقای مرتضوی یکی از بستگان من را دعوت می کند و از صحبت هایشان فلم می گیرند؟ پس برنامه ای داشته اید که فلم را بگیرید و بعدا آن را پخش کنید.» لاریجانی، گفت که مشکل کشور این جاست که رئیس جمهور از چنین روش های غیراخلاقی استفاده می کند. او افزود: «رئیس جمهور ما اولیات اخلاقی را رعایت نمی کند... این روش ها کیان اخلاق جامعه را نابود می کند.» او، خطاب به احمدی نژاد گفت: «اطرافیان شما پرونده هائی دارند که نمی گذارید رسیدگی شود. اشکال کار این جاست. وگرنه در کشوری که ولایت فقیه است، بن بست نیست.»

لاریجانی، افزود بین او و شخصی که نام برده شد ارتباطی وجود ندارد و طرح این موضوع «غیراخلاقی و بی ارتباط با استیضاح» است.

در پایان سخنان رئیس مجلس، احمدی نژاد خواستار پاسخ گوئی شد، اما چنین اجازه ای به او داده نشد. لاریجانی، در پاسخ درخواست احمدی نژاد، گفت: «شما تهمت زدید و جواب تان را دادیم، دیگر اجازه صحبت ندارید.»

عبدالرضا شیخ الاسلامی وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی در این جلسه علنی مجلس، از عملکرد وزارتخانه خود دفاع کرد و گفت تمام اتهام ها مربوط به یک شخص می شود که اتهام او ثابت نشده است.

او درباره پرونده قضائی سعید مرتضوی گفت: «برای این پرونده هنوز حکم قطعی صادر نشده و این که گفته شود شخص مجرم است، خلاف گوئی است. نمی شود فردی را به دلیل داشتن پرونده از زندگی ساقط کرد.»

شیخ الاسلامی، به نمایندگان مجلس گفت: «در حال حاضر بسیاری از مدیران پرونده دارند، خود من دارای یک پرونده هستم ولی نمی توان بدون رأی دادگاه صالحه فردی را محاکمه کرد.»

وزیر کار در صحبت هایش بر صلاحیت سعید مرتضوی برای ریاست سازمان تأمین اجتماعی تأکید کرد و گفت به اتهام هائی که در رسانه ها مطرح شده و هنوز ثابت نشده اهمیتی نمی دهد.

عبدالرضا شیخ‌الاسلامی، در نهایت گفت طبق مصوبه دو هفته پیش دولت، اختیار عزل و نصب سعید مرتضوی با محمدرضا رحیمی معاون اول رئیس جمهوری ایران بوده و رحیمی سعید مرتضوی را سرپرست سازمان تأمین اجتماعی کرده است.

سرانجام جو عمومی مجلس متشنج شد و احمدی نژاد، پس از آن که اجازه پاسخ گوئی مجدد به وی داده نشد، جلسه را ترک کرد.

سرانجام در میان این جنجال و هیاهوی بی سابقه برادران قاچاقچی، مافیائی و تروریستی احمدی نژاد، عبدالرضا شیخ‌الاسلامی وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی را با اکثریت آراء برکنار کرد. از ۲۷۲ نماینده حاضر در جلسه مجلس، ۱۹۲ نفر به این استیضاح رأی موافق و ۵۶ نفر رأی منفی دادند. رأی ۲۴ نماینده نیز ممتنع بود.

همین آراء و کمشکش ها بین طرفداران احمدی نژاد و خامنه ای، به سادگی نشان می دهند که احتمالاً شورای نگهبان کاندیدای ریاست جمهوری طرفداران احمدی نژاد، به ویژه اسفندیار رحیم مشائی را تأیید نخواهد کرد. به عبارت دیگر، به نظر می رسد تاریخ مصرف باند احمدی نژاد در نزد باند رقیبش به پایان رسیده است مگر این که اتفاقات دیگری در درون حکومت اسلامی روی دهد و توازن قوای فعلی در کل حاکمیت دگرگون شود. اما شرایط اقتصادی، سیاسی و اجتماعی ایران و روابط بین المللی شان، شدیداً بحرانی است و حرکت زمان بر وفق مرادشان نیست.

لحظاتی پس از پایان جلسه علنی مجلس اعلام شد که رئیس جمهور و رئیس مجلس کنفرانس های خبری جداگانه ای را برگزار خواهند کرد. اما ساعاتی بعد این کنفرانس های خبری لغو شد. دلایل لغو این کنفرانس های خبری اعلام نشده است.

در همین حال برخی نمایندگان مجلس و رسانه های اصول گرایی چون خبرگزاری مهر و فارس، کیهان، با اشاره به رویدادهای روز یکشنبه مجلس عکس العمل نشان داده و خواستار توجه رؤسای دو قوه به اظهارات اخیر رهبر ایران برای پرهیز از علنی کردن اختلافات شدند.

فاضل لاریجانی، به خبرگزاری فارس گفته است: «این اقدام توطئه و حرکتی منافقانه بود تا مرتضوی از آن به عنوان اهرم فشاری برای تبرئه خود از اتهامات وارده و ایجاد حریم امن استفاده کند.»

فاضل لاریجانی، گفت: «اولین کسی نیستم که مورد هجمه این افراد مافیائی قرار گرفتم و پیش از من نیز افراد خدمت گزار مورد هجمه آنان بودند و در پیشگاه خداوند نیز از آن ها نمی گذرم.»

سایت «مشرق نیوز» که نزدیک به اصول گرایان است، عصر یکشنبه ۱۵ بهمن، از قول فاضل لاریجانی صحبت های مطرح شده در این نوار را تکذیب کرد و گفت: «این قضیه کذب محض و توطئه است و صدائی که در این جلسه از من به گوش می رسد جعلی است.» او، با اعلام این که «قصدها دارند اذهان عمومی را به هم بزنند»، گفت: «بانی این جلسه خودشان بوده اند.»

اشاره رسانه های اصول گرا به اظهارات آیت الله علی خامنه ای، سردسته حکومت اسلامی، پس از تنش بین صادق لاریجانی و محمود احمدی نژاد در دهم آبان ماه [عقرب] است که گفته بود: «از امروز تا روز انتخابات، هر کسی که بخواهد اختلاف ها را به میان مردم بکشانند و از احساسات آن ها در جهت اختلافات استفاده کند، قطعاً به کشور خیانت کرده است.»

روزنامه کیهان نیز از رویدادهای روز یکشنبه در مجلس انتقاد کرده و نوشته است: «شواهدی در دست است که نشان می دهد واقعه تلخ و ناگوار و خیانت آمیز دیروز توطئه مشترک «اصحاب فتنه» و «حلقه انحرافی» بوده است.»

طرفداران آیت الله علی خامنه ای، به جریان نزدیک به دولت محمود احمدی نژاد و اسفندیار رحیم مشائی «حلقه انحرافی» و به معترضان به انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۸۸ جریان «فتنه» می گویند.

محمد حسین فرهنگی، یکی از اعضای هیأت رئیسه مجلس گفت که در مورد نوار پخش شده از سوی احمدی نژاد، با فاضل لاریجانی صحبت کرده است. به گفته این عضو هیأت رئیسه، فاضل لاریجانی گفته است که جلسه با رئیس سازمان تأمین اجتماعی به دعوت آقای مرتضوی برگزار شده بود و درخواست آقای مرتضوی در این جلسه، گرفتن وقت ملاقات از رئیس قوه قضائیه و رئیس مجلس بوده که به نتیجه نرسیده است.

علی مطهری، نماینده اصول گرای مجلس و منتقد دولت دهم، درباره وقایع روز یکشنبه در مجلس گفته است: «جلسه امروز (روز یکشنبه) مقداری از چهره رئیس جمهور را آشکار کرد و فکر می کنم با این اقدام به نقطه پایان بحران نزدیک تر شدیم.»

به گزارش «خانه ملت»، وب سایت خبری مجلس، علی مطهری اضافه کرده است: «در مجموع کار جالبی انجام نشد چرا که صحبت های احمدی نژاد در شان یک رئیس جمهور نبود ولی این اقدام در کل برای نظام با برکت بود چرا که وی مدت هاست می گوید من مطالبی را می گویم.»

در همین زمینه، علاءالدین بروجردی، رئیس کمیسیون امنیت ملی مجلس در خصوص رویکرد محمود احمدی نژاد در مجلس به «خانه ملت» گفته است: «بدون تردید این اقدام رئیس جمهور در صحن مجلس هم دهن شان ریاست جمهوری بود و هم دهن شان مجلس و یک کار غیراخلاقی و بسیار نامتناسب با ایام فرخنده دهه فجر بود، زیرا مردم سی و چهارمین سالگرد پیروزی انقلاب را به جشن نشستند.»

روح الله حسینیان، نماینده اصول گرای مجلس که در مخالفت با استیضاح وزیر کار، رفاه و تأمین اجتماعی در روز یکشنبه سخنرانی کرد، از اتفاقات در جریان استیضاح وزیر کار به عنوان «بدترین و تأسف بارترین روز مجلس» یاد کرد. او، به «شبکه ایران»، وابسته به روزنامه دولتی ایران، گفته است: «به اندازه ای از اتفاقات امروز مجلس ناراحتم که توان صحبت کردن ندارم و مریض شدم.»

مهدی کوچک زاده، نماینده اصول گرای طرفدار دولت، در خصوص وقایع روز یکشنبه مجلس گفته است: «فضای کلی مجلس از صبح تا غروب دور از اخلاق، مروت و جوانمردی و انسانیت پیش رفت.» به گزارش «شبکه ایران» مهدی کوچک زاده اضافه کرده است: «عدم عکس العمل به موقع رئیس مجلس فضای تهمت و افتراء را تشدید کرد.»

این نماینده اصول گرای مجلس، با اشاره به این که «در صحن علنی مجلس تهمت و دروغ هائی علیه دولت مطرح شد که هیچ عکس العملی از سوی لاریجانی در پی نداشت»، افزوده است: «لاریجانی تنها زمانی که موضوع مربوط به خودش شد واکنش نشان داد که دیگر هیچ فایده ای نداشت، چرا که فضای کلی مجلس کاملاً آشفته و متشنج شده بود.»

در حالی تنش بین دولت و مجلس تشدید شده است که پیش تر غلامحسین الهام، سخن گوی دولت، در پنجم دی ماه سال جاری از تلاش های «برخی جریانات» برای سقوط دولت محمود احمدی نژاد خبر داده و گفته بود: «رهبری مانع سقوط دولت شده است.»

غلامحسین الهام، گفته بود: «برخی جریان ها طی هشت ماه گذشته به شکلی جدی برای سقوط دولت احمدی نژاد برنامه ریزی کرده بودند، اما با هوشمندی و حمایت های رهبری از گفتمان عدالت خواهی و ضدفساد احمدی نژاد، این پروژه شکست خورد.»

سعید مرتضوی که پیش از این در قوه قضائیه حکومت اسلامی، به عنوان قاضی و دادستان تهران فعالیت داشت، روز دوم بهمن [دلو] توسط هیأت امنای سازمان تأمین اجتماعی از مدیرعاملی این سازمان عزل شد. به دنبال آن، دولت اختیار انتصاب سرپرست یا رئیس این سازمان را به محمدرضا رحیمی، معاون اول رئیس جمهور، واگذار کرد و پس از آن رحیمی به فاصله کم تر از ۲۴ ساعت از عزل مرتضوی، او را به عنوان «سرپرست سازمان تأمین اجتماعی» برگزید.

با این حال رئیس مجلس شورای اسلامی، ۱۱ بهمن ماه [دلو] تفویض اختیارات وزیر کار به معاون اول رئیس جمهور را ابطال و بر این اساس سرپرستی سعید مرتضوی بر سازمان تأمین اجتماعی را که از سوی معاون اول رئیس جمهور ابلاغ شده بود، غیرقانونی اعلام کرد.

به دنبال آن مجلس با تأکید بر این که مسؤلیت انتصاب های این وزارتخانه بر عهده وزیر کار است، عبدالرضا شیخ الاسلامی را به دلیل انتصاب سعید مرتضوی برای استیضاح به مجلس فراخواند.

۱۸ تن از نمایندگان مجلس پیش تر طرح استیضاح عبدالرضا شیخ الاسلامی، وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی را به دلیل انتصاب سعید مرتضوی به عنوان سرپرست سازمان تأمین اجتماعی، امضاء کرده بودند. در این طرح نسبت به آن چه «قانون ستیزی» وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی خوانده شده، انتقاد و در هفت بند شرح داده شده است که حکم انتصاب سعید مرتضوی به عنوان مدیرعامل یا سرپرست سازمان تأمین اجتماعی مغایر قانون است.

از جمله امضاء کنندگان این طرح استیضاح علی مطهری، احمد توکلی، الیاس نادران، غلامرضا مصباحی مقدم، غلامرضا نوری و بهروز نعمتی بودند.

دادستانی عمومی و انقلاب تهران شامگاه دوشنبه ۱۶ بهمن [دلو] ۱۳۹۱ برابر با ۴ فبروری ۲۰۱۳، اعلام کرد که سعید مرتضوی، قاضی پیشین دادگاه های جمهوری اسلامی بازداشت و به زندان اوین منتقل شده است. هنوز مشخص نیست که اتهام اصلی مرتضوی چیست ولی بازداشت او یک روز پس از جنجال های میان علی لاریجانی و محمود احمدی نژاد در مجلس صورت گرفت.

احمدی نژاد روز سه شنبه، ۱۷ بهمن ماه [دلو]، پیش از عزیمت به مصر با «ابراز تأسف از بازداشت مرتضوی» گفت: «قوه قضائیه باید قوه قضائیه ملت باشد چون این قوه یک سازمان ویژه خانوادگی نیست.»

او، دستگیری سعید مرتضوی را «بسیار زشت» خواند و تصریح کرد: «نمی دانم چرا این طور است. فردی تخلف کرده اما شخص دیگری دستگیر شده است و این کار بسیار زشت است.» احمدی نژاد، گفت که پس از بازگشت از سفر مصر «حتما این مسأله را به صورت جدی دنبال می کند.»

خبرگزاری نسیم نوشت: محمدرضا رحیمی، معاون اول رئیس جمهور با تأیید بازداشت سعید مرتضوی، گفت: از نظر دولت، سعید مرتضوی هم چنان رئیس سازمان تأمین اجتماعی است.

لازم به یادآوری است که سعید مرتضوی به دلیل جرایم مربوط به پرونده کهریزک از مناصب خود در قوه قضائیه ایران تعلیق شده است.

اما پس از برکناری مرتضوی از قوه قضائیه، احمدی نژاد نخست او را به ریاست ستاد مبارزه با قاچاق کالا و ارز منصوب شد سپس او را در رأس سازمان تأمین اجتماعی گمارد. مجلس این پست جدید مرتضوی را لغو کرد.

سعید مرتضوی، در دوران ریاست آیت الله هاشمی شاهرودی در قوه قضائیه و دولت «اصلاحات» محمد خاتمی در مقام دادستان تهران مشغول به فعالیت بود.

اما جنایت کهریزک، بیش از پیش سعید مرتضوی را معروف تر کرد. جایی که سر انگشت تمامی اتهامات به سمت او نشانه گرفته شد و تجازو به زندانیان و کشتن آن ها در داخل و خارج کشور سرتیتر بسیاری از خبرگزاری ها قرار گرفت.

روز ۱۸ تیر [سرطان] ۱۳۸۸ تعدادی از بازداشت شدگان اعتراضات خیابانی بعد از انتخابات ریاست جمهوری به بازداشتگاه کهریزک در جنوب تهران منتقل شدند که دستکم سه نفر از آن ها به نام های امیر جوادی فر، محسن روح الامینی و محمد کامرانی کشته شدند. با علنی شدن موضوع مرگ محسن روح الامینی که پدر او از اعضای برجسته

ستاد انتخاباتی محسن رضائی (از نامزدهای انتخابات ریاست جمهوری) بود و آشکار شدن این که روح الامینی بر اثر ضرب و جرح در بازداشتگاه کهریزک کشته شده است، نام این بازداشتگاه بیش تر مورد توجه قرار گرفت.

به دنبال این تحولات و در پی شکایت خانواده تعدادی از زندانیان بازداشتگاه کهریزک، روز دوشنبه ۵ مرداد [اسد] ۱۳۸۸ - ۲۷ جولای ۲۰۰۹، گزارش شد که آیت الله خامنه ای، رهبر حکومت اسلامی، دستور تعطیلی یک بازداشتگاه در تهران را به دلیل «غیر استاندارد بودن» شرایط آن صادر کرده است؛ اما نام این محل فاش نشد.

پس از این گزارش، روز سه شنبه ۶ مرداد، کاظم جلالی، سخن گوی کمیته مجلس برای رسیدگی به مسائل بازداشت شدگان اعتراضات پس از انتخابات ایران گفت که دستور تعطیل بازداشتگاه کهریزک در جنوب تهران صادر شده است.

دوشنبه ۲۹ آذر [قوس] ۱۳۸۹ - ۲۱ دسمبر ۲۰۱۰، نخست اسناد کیفرخواست متهمان به قتل زندان کهریزک را یک وب سایت نزدیک به موسوی و کروبی منتشر کرد و سپس رسانه ها در سطح گسترده ای آن را انتشار دادند.

سندی ۲۷ صفحه ای که در وب سایت ها منتشر شد، کیفرخواست ارائه شده در آن دادگاه است که به امضای عباس پارساپور، معاون دادستان نظامی تهران، رسیده است.

بازداشتگاه کهریزک از بازداشتگاه های زیر نظر نیروی انتظامی بود که تعدادی از معترضان به نتایج اعلام شده انتخابات ریاست جمهوری ۲۲ خرداد [جوزا] ۱۳۸۸ بعد از بازداشت به این بازداشتگاه منتقل شدند و دست کم سه نفر از آن ها به نام های محمد کامرانی، امیر جوادی فر و محسن روح الامینی در اثر شکنجه در این بازداشت جان خود را از دست دادند. رامسن قهرمانی نیز بعد از آزادی ولی در اثر شکنجه هائی که در کهریزک شده بود، از دنیا رفت.

با انتظار خبر شکنجه های گسترده و کشته شدن بعضی از بازداشت شدگان، آیت الله علی خامنه ای رهبر ایران دستور داد این بازداشتگاه به دلیل «استاندارد نبودن» تعطیل شود.

با شکایت ده ها نفر از بازداشت شدگان کهریزک، تعدادی از مأموران نیروی انتظامی ایران در سازمان قضائی نیروهای مسلح دادگاهی شدند.

در این کیفرخواست که تاریخ آن ۲۵ آذر [قوس] ۱۳۸۸ است، ۱۱ مأمور نیروی انتظامی از جمله عزیز الله رجب زاده، فرمانده وقت نیروی انتظامی تهران بزرگ، روانبخش فلاح، رئیس وقت بازرسی فرماندهی نیروی انتظامی تهران بزرگ و فرج کمیجانی، رئیس وقت بازداشتگاه کهریزک، به عنوان متهم ذکر شده و موارد اتهامی هر کدام ذکر شده است.

در این کیفرخواست، هم چنین یک غیرنظامی با نام محمدرضا کرمی (معروف به محمد طیفیل) نیز به مشارکت در ایراد ضرب و جرح منجر به قتل عمد متهم شده است. در این کیفرخواست آمده که آقای کرمی یکی از «اراندل و اوباشی» بوده که از پیش در بازداشتگاه کهریزک زندانی بوده و در آن زمان از سوی رئیس زندان (فرج کمیجانی) به مسؤلیت بند منصوب شده است.

کیفرخواست متهمان زندان کهریزک شامل یازده نفر از جمله عزیز الله رجب زاده، فرمانده وقت نیروی انتظامی تهران بزرگ، روانبخش فلاح، رئیس وقت بازرسی فرماندهی نیروی انتظامی تهران بزرگ و فرج کمیجانی، رئیس وقت بازداشتگاه کهریزک است.

در بخشی از این کیفرخواست آمده است: «افسر نگهبانان و سروکیل بند (محمد طیفیل) در موارد متعددی در زمان پذیرش بازداشت شدگان و نگهداری آنان در زندان با لوله پی وی سی به شدت بازداشت شدگان را مورد ضرب و جرح و اهانت قرار می دادند.»

آن طور که در این کیفرخواست آمده، ۱۲۳ نفر از بازداشت شدگان اعتراضات روز ۱۸ تیر [سرطان] ۱۳۸۸ در سوله ای ۶۵ متری نگهداری می شدند و ۳۷ نفر از اراندل و اوباشی که پیش تر بازداشت شده بودند هم به همین سوله منتقل شدند.

طبق این کیفرخواست متهمان هنگام بازداشت جلوی چشم دیگر بازداشت شدگان لخت می شدند، در این سوله جای نشستن نداشتند، امکان استفاده از حمام نداشتند، در کل یک دست شوئی برای همه ۱۶۰ نفر وجود داشته، بخشی از دود گازوئیل موتورخانه بازداشتگاه به این سوله نشأت می کرده است، تقریباً همه بازداشت شدگان به بیماری های عفونی چشم مبتلا شده اند و غذای روزانه بازداشت شدگان تنها یک عدد سیب زمینی کوچک و نصف نان لواش بوده که در طول روز دو بار به آنان داده می شد.

در این کیفرخواست، هم چنین نام رامین پوراندراجانی، پزشک و وظیفه مشغول خدمت در بازداشتگاه کهریزک، نیز ذکر شده است: «سرهنگ کمیجانی که از ایراد ضرب و جرح بازداشتی ها توسط مأمورین مطلع بوده پس از فوت یک نفر از بازداشتی ها به نام امیر جوادی فر برای شانه خالی کردن از بار مسؤلیت و تلقین این موضوع که علت فوت وی مننژیت بوده، با مراجعه به دکتر فرهمندپور رئیس بهداری فانتب از وی می خواهد که علت فوت مرحوم جوادی فر را بیماری مننژیت و محل فوت وی را داخل بازداشتگاه کهریزک اعلام نماید. حتی برای انجام این کار، امضای متن از قبل آماده شده ای را از دکتر فرهمندپور تقاضا می کند لیکن نام برده از امضای برگه مذکور امتناع نموده و متعاقباً سرهنگ طوماری مسؤل دفتر سردار رجب زاده با دکتر فرهمندپور تماس گرفته و از وی می خواهد که آن برگه را امضا نماید که باز هم سرهنگ فرهمندپور امتناع نموده و به همین لحاظ سرهنگ کمیجانی به پزشک وظیفه پوراندراجانی که در بهداری کهریزک شاغل بوده مراجعه و از وی می خواهد که برگه را امضا نماید که وی نیز از انجام درخواست رئیس زندان امتناع می کند.»

به نوشته این کیفرخواست، فلاح و کمیجانی مدعی هستند که متن نامه توسط سعید مرتضوی، دادستان وقت تهران، به آنان داده شده و مرتضوی از آن ها خواسته «به دلیل مصلحت» این گزارش را تهیه کنند.

دادگاهی که این کیفرخواست در آن قرائت شد، دو نفر از متهمان را به اتهام قتل امیر جوادی فر، محسن روح الامینی و محمد کامرانی علاوه بر «قصاص نفس»، به تحمل حبس، انفصال موقت از خدمت، پرداخت جزای نقدی، تحمل شلاق تعزیری و پرداخت دیه محکوم کرد.

دادگاه دو نفر از متهمان کهریزک را به اتهام قتل به قصاص محکوم کرد ولی خانواده های درگذشتگان ضمن تأکید بر عدم قصاص خواستار محاکمه آمران قتل فرزندانشان شدند.

نه متهم دیگر این پرونده هم به تحمل مجازات هائی چون تحمل حبس، پرداخت دیه و جزای نقدی، انفصال موقت از خدمت و تحمل شلاق محکوم شده اند. یکی از متهمان پرونده هم به دلیل «عدم احراز جرم» از اتهامات وارده تبرئه شد. در پی صدور این حکم اولیای دم سه مقتول بازداشتگاه کهریزک اعلام کردند محکومان را قصاص نخواهند کرد و خواهان محاکمه و مجازات آمران قتل فرزندانشان شدند.

سعید مرتضوی، دادستان سابق تهران، حسن دهنوی (مشهور به قاضی حداد)، معاون امنیت وقت دادستان تهران و علی اکبر حیدری فرد، دادیاری که دستور انتقال معترضان به بازداشتگاه کهریزک را صادر کرده بود، اواخر مردادماه [اسد] امسال توسط دادگاه انتظامی قضات ایران از سمت هایشان تعلیق شدند و مصونیت قضائی آن ها لغو شد.

رای دادگاه روز ۱۴ دی [جدی] ۱۳۸۹، منتشر شد، حاکی از عدم احضار سعید مرتضوی دادستان وقت تهران، که دستور انتقال بازداشت شدگان به کهریزک را داده بود، و نیز تبرئه سرتیپ عزیزالله رجب زاده، فرمانده وقت نیروی انتظامی تهران بزرگ، در ارتباط با پرونده این بازداشتگاه است.

قوه قضائیه حکومت اسلامی ایران، به قتل رسیدن سه نفر از بازداشت شدگان کهریزک به نام های محمد کامرانی، امیر جواد فر و محسن روح الامینی در اثر بدرفتاری ماموران را تأیید کرده است. رامین آقازاده قهرمانی، یکی دیگر از زندانیان کهریزک نیز، بعد از آزادی بر اثر آسیب های ناشی از شکنجه های دوران بازداشت خود در گذشته است. هم چنین کمیسیون ویژه مجلس گزارشی را روز یکشنبه ۲۰ دی [جدی] ۱۳۹۰، در جلسه علنی مجلس ارائه داد و (در بخش مربوط به پرونده کهریزک) مرتضوی را به عنوان صادر کننده دستور انتقال بازداشت شدگان روز ۱۸ تیر [سرطان] به بازداشتگاه کهریزک معرفی کرد.

بر اساس گزارش کمیته ویژه مجلس، مرتضوی در جلسه ای با اعضای این کمیته گفته که وی دلیل انتقال برخی از بازداشت شدگان به کهریزک را «فقدان ظرفیت زندان اوین» اعلام کرده و علت مرگ سه تن از بازداشت شدگان روز ۱۸ تیر ۱۳۸۸ را، بر اساس «بررسی های انجام شده از سوی پزشکی قانونی «ابتلای آن ها به بیماری منتزیت» دانسته است. اما کمیته ویژه مجلس در بررسی های خود به این نتیجه رسید که هر دوی این اظهارات خلاف واقع است. قوه قضائیه حکومت اسلامی، هرگز شکنجه گران و آدم کشان حکومتی را حتی به طور جدی محاکمه نکرده است و برای تظاهر تحت تقیبه طولانی قرار می دهد تا مسأله از ذهن افکار عمومی جامعه پاک شود. پرونده هائی هم چون قتل های موسوم به «قتل های زنجیره ای»، واقعه ۱۸ تیر ... را مدتی کش دادند و بعدها به سادگی به بایگانی سپردند. در حالی که ناصر زرافشان، وکیل خانواده های قربانیان قتل های زنجیره ای را به مدت پنج سال زندانی کردند. اکنون نیز یک نمونه روشن، ماجرای مرتضوی است که او را به دلیل تجاوز و کشتن زندانیان سیاسی که در اعتراضات ۸۸ دستگیر شده بودند دستگیر نکرد. در حالی که اکنون درست یک روز پس از این که نوار ضبط شده معامله مرتضوی و برادر رئیس مجلس و رئیس قوه قضائیه توسط احمدی نژاد در جلسه علنی پخش شد بلافاصله او را دستگیر کردند.

مرتضوی پیش از انتصاب به دادستانی تهران، رئیس دادگاه مطبوعات بود و حکم توقیف ده ها نشریه اصلاح طلب در ده سال اخیر، با امضای او بوده است.

مرتضوی، در دوره دادستانی تهران، حکم بازداشت و محکومیت تعداد زیادی از مخالفان حکومت و هم چنین فعالان سیاسی جناح اصلاح طلب حکومت را صادر کرد.

نام مرتضوی در جریان کشته شدن زهرا کاظمی، روزنامه نگار ایرانی - کانادائی، در سطح جهان مطرح شد. دولت کانادا مرتضوی را مسؤول قتل خانم کاظمی اعلام کرد.

زهرا کاظمی در زندان اوین و در زمانی که به حکم مرتضوی در بازداشت بود، کشته شد. مقام های ایران برخورد جسم سخت به سر خانم کاظمی را دلیل کشته شدن او اعلام کردند.

از آن تاریخ تاکنون، نه تنها هنوز حکم نهائی در رابطه با این درخواست صادر نشده است، بلکه مسؤولان قتل گاه کهریزک هم چون مرتضوی در ارگان های دیگر حکومت بر سر کار هستند.

در نهایت نیز سعید مرتضوی به واسطه آن چه مسؤولیت او در این رخداد خوانده شده است از سمت های خود در قوه قضائیه ایران تعلیق شد، اما محمود احمدی نژاد، تصمیم گرفت او را در دولت خود به کار بگیرد.

سعید مرتضوی یک از جانپان بی رحم حکومت اسلامی است اما دعوی دولت و مجلس بر سر او، ربطی به کارنامه جنایت کارانه او ندارد و یک رقابت جناحی و بر ثروت های کلانی است که در اختیار سازمان تأمین اجتماعی است.

یک نماینده مجلس، به نام محمد قسیم عثمانی، به صراحت گفته است: «قرار گیری مرتضوی در ریاست سازمان تأمین اجتماعی که یک بنگاه مالی است، شایبه هدایت منابع مالی این سازمان را به سمت ستادهای انتخاباتی کاندیدای مطلوب در ذهن مردم تداعی می کند.»

یا توکلی، یک نماینده دیگر، تأکید کرده است: «سازمان تأمین اجتماعی دارای ۲۸۰ شرکت تولیدی و چند صد هزار میلیارد ثروت است و این دو ویژگی مهم، این نهاد را به بزرگ ترین نهاد اجتماعی تبدیل کرده است که هم اکنون با نیمی از افسار کشور سروکار دارد.»

اگر افشاگری احمدی نژاد از برادر لاریجانی را نیز به این سخنان نمایندگان مجلس بیفزاییم به سادگی درمی یابیم که دعوا بر سر تصاحب و تقسیم ثروت های کلان متمرکز شده در سازمان تأمین اجتماعی است. نه بر سر کسی که در زندان تحت نظارتش به زندانیان تجاوز کردند و در زیر شکنجه کشتند. از این رو، اگر قرار باشد جانیان از مسؤولیت هایشان بر کنار گردند نخست باید بساط کلیت حکومت اسلامی برچیده شود.

واقعا رقابت و دعوا در میان باندهای مختلف حکومت اسلامی از خامنه ای و احمدی نژاد و رئیس مجلس گرفته تا رفسنجانی و خاتمی بر سر چیست؟ آیا دغدغه این ها، زیست و زندگی و رفاه مردم و اجرای عدالت اجتماعی است؟ آیا دعوی این ها، بر سر پرداخت دستمزدهای معوقه کارگران و همه مزدبگیران و تعیین سطح دستمزدهای کارگران متناسب با تورم و گرانی واقعی است؟ آیا دعوی این ها، بر سر آزادی زندانیان سیاسی است؟ آیا دعوی این ها بر سر لغو سانسور، شکنجه، اعدام و دست و پا بردن و چشم درآوردن است؟ آیا دعوی این ها، بر سر جلوگیری از دزدی و رشوت خواری در ارگان های دولتی و یا حیف و میل کردن ثروت های جامعه ایران است؟ آیا دعوی این ها، بر آزادی زنان و تأمین زندگی کودکان کار و خیابانی است؟ و الا آخر.

جواب قاطع و محکم این است که: «نه»! دعوی اصلی و دغدغه روزانه آن ها بر سر تقسیم ثروت و قدرت و حاکمیت است نه دغدغه های مردم. این واقعیت غیرقابل انکار در کارنامه سی و چهار ساله حکومت اسلامی، سیاه و سیاه ثبت شده است.

بزرگ ترین طنز تلخ جامعه ما، این است که دزدان، باغیان، گردنه گیران، زورگویان، مفت خوران، آدم کشان، گروه های مافیائی و تروریستی، قاچاقچیان سلاح، مشروب، مواد مخدر و به طور کلی متجاوزان به جان و مال و زندگی اکثریت مردم ایران در قدرت و حاکمیت هستند و برای حفظ قدرت، موقعیت و ثروت های بادآورده خود، در هرگونه فساد اخلاقی، سیاسی، اجتماعی و هر جنایتی دست دارند!

به این ترتیب، همگان می دانند که حکومت اسلامی ایران، کارنامه ای سرتاپا سیاه و جنایت کارانه دارد! فاسدترین حکومت جهان از نظر اقتصادی، سیاسی، اجتماعی است! نام حکومت اسلامی و الهی ایران، همواره در ردیف های نخست نقض حقوق بشر، زن ستیزی، کودک آزاری، آزادی ستیزی، سانسور، اعدام، اعدام کودکان، سنگسار، تجاوز، فقر، خودکشی، اعتیاد، تن فروشی، گرانی، بی کاری، فساد اقتصادی، تروریسم و... قرار گرفته است! به این ترتیب، محکم و قاطع می توان گفت که این حکومت به حدی جانی و تبه کار و مافیائی است که هیچ گونه اصلاح و تغییر را بر نمی تابد بنابراین، باید همانند یک غده سرطانی خطرناک و کشنده و بدخیم، با تیغ جراحی از ریشه بریده شده و دور انداخته شود تا بیش از این باعث تخریب جامعه نگردد!

سه شنبه هفدهم بهمن [دلو] ۱۳۹۱ - پنجم فبروری ۲۰۱۳

ادامه دارد.